

عطر سلام و بهشت

انسیه موسویان



نام کتاب: کوچه باران
نویسنده: عبدالرضا رضایی نیا
تصویرگر: سید امین باقری
ناشر: سوره مهر
نوبت چاپ: نخست/ ۱۳۸۹
شمار صفحات: ۳۲ صفحه
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
قیمت: ۱۹۰۰ تومان

مقدس شکل گرفته‌اند و شاعر تلاش کرده است در انتقال حس و حال آن روزها به نسل امروز و فردا، سهمی داشته باشد.

چند ویژگی در سروده‌های این کتاب هست که آن را از سایر کتاب‌های مشابه متمایز کرده است.

الف: پیوستگی شعرها در عین جدا بودن هر یک: از آن‌جا که همه‌ی شعرها در یک وزن و یک قالب سروده شده‌اند، در نگاه اول شاید بتوان آن‌ها را یک شعر دنباله‌دار با درون‌مایه‌ی مشترک دانست. اما در عین این پیوستگی، هر شعر به تنهایی هم، حال و هوای خاص خود را دارد و از نظر ساختاری و نیز محتوایی به عنوان یک شعر جداگانه قابل خوانش و بررسی است.

ب: بیان روایی: شعرها از یک نقطه آغاز می‌شوند و شاعر توصیف و شرح ماجراهایی متعدد، گویی به روایت یک داستان دنباله‌دار مشغول است. به‌طور کلی، شعرهای روایی از آن‌جا که می‌توانند مخاطب را با نقل ماجراها و توصیف وقایع و صحنه‌ها همراه کنند، در ادبیات کودک و نوجوان به‌طور فطری و ذاتی به قصه و داستان علاقه‌مندند و آن‌گاه که این قصه با وزن و قافیه و سایر عناصر شعری هم همراه شود، به مراتب بیشتر مورد استقبال آنان واقع می‌شود.

ج: راوی شعرها نوجوانی است که به شرح حوادث می‌پردازد. این نیز نکته‌ی مثبتی است، چرا که نوجوان مخاطب این کتاب می‌تواند با راوی نوجوان همذات‌پنداری کرده و در نتیجه ارتباط به‌تر و عمیق‌تری با شعرها برقرار کند.

چند سالی است که شاعران کودک و نوجوان به مقوله‌ی شعر دفاع مقدس برای این طیف به شکل جدی‌تر می‌نگرند و علاوه بر شعرهای پراکنده با موضوع دفاع مقدس که در مجموعه شعرهای منتشر شده می‌بینیم، تعداد کتاب‌ها و مجموعه‌های مستقلی نیز که به‌طور خاص به موضوع جبهه و جنگ می‌پردازند، رو به افزونی است. این تلاش ارزشمند و مقدس را باید به دیده‌ی احترام و تحسین نگریست. چرا که طرح موضوع دفاع مقدس و یادکرد خاطرات آن سال‌ها، برای کودکان و نوجوانانی که به اقتضای سن، آن روزها را درک نکرده‌اند، جزو ضروریات است.

به هر تقدیر، جنگ و حوادث پس از آن، به عنوان یک واقعیت عظیم تاریخی که چندین سال کشور ما را درگیر کرده بود و هنوز هم شاهد آثار و پیامدهای آن هستیم، جزئی از تاریخ این مرز و بوم است و قطعاً وظیفه‌ی آشنا کردن کودکان و نوجوانان امروز با این وقایع، بر دوش هنرمندان، شاعران و نویسندگان است.

یکی از کتاب‌هایی که به‌طور خاص به مقوله جنگ پرداخته است، کتاب «کوچه‌باران» سروده‌ی «عبدالرضا رضایی نیا» است. این کتاب همان‌گونه که ناشر در پشت جلد یادآور شده است: «شکل گرفته از چهارده شعر نوجوان به صورت پیوسته، از زبان رزمنده‌ی نوجوان دیروز، برای نوجوانان امروز است.» این شعرها به نیت مرور و بازخوانی خاطره‌ی روزهای فراموش‌ناشدنی دفاع



شعر جنگ: آری یا نه؟ چگونه؟

یکی از انتقادات مخاطبان شعر جنگ برای کودکان و نوجوانان، همواره این نکته بوده است که در چنین شعرهایی از واژه‌های خشن و صحنه‌های خشونت‌بار استفاده می‌شود و این امر برای کودکان و نوجوانان زیان‌بار و ناپسند است. آن‌ها معتقدند که ضرورتی ندارد دنیای لطیف و سرشار از مهر کودکان و نوجوانان را با طرح چنین موضوعاتی که به هیچ‌وجه مناسب سن و سال و روحیات آن‌ها نیست تیره و تار کرده و آن‌ها را درگیر این مسائل کنیم. در مقابل، تعداد کسانی که بر لزوم و ضرورت طرح این مسائل به عنوان گوشه‌هایی از واقعیت جامعه و تاریخ کشورمان، تأکید دارند نیز، اندک نیست. آن‌چه جای پرستش و تحقیق دارد.

چگونگی طرح این مباحث و شیوه‌های بیان آن برای مخاطب است. به‌گونه‌ای که کمترین آسیب به لحاظ روحی و روانی به او وارد آید. طبیعی است که وقتی صحبت از جنگ است، با یک پدیده‌ی فی‌نفسه خشن مواجه‌ایم.

در جنگ سخن از توپ و تانک و خمپاره است. صحبت از اسیر و مجروح و شهید است، ویرانی و آوارگی و درد و داغ است. در جنگ به یکدیگر گل هدیه نمی‌کنند! و به قول زنده‌یاد قیصر امین‌پور وقتی می‌خواهیم برای جنگ شعر بگوییم، ناچار باید «لفظ ناخوش موشک» را وارد شعر کنیم! حال باید دید شاعر این کتاب، در ترسیم فضای جنگ و بیان حماسه‌های دفاع مقدس به شکلی که کمترین بار خشونت را داشته باشد تا چه حد موفق بوده است؟

از میان ۱۴ شعر این کتاب در چند شعر شاعر به توصیف زیبایی‌های جنگ پرداخته است و تلاش کرده است با ترسیم فضای لطیف، معنوی و روحانی جبهه و حال و هوای رزمندگان، از بار منفی خشونت بکاهد:

از جمله شعر «سنگر لاله‌ها» که در آن، شاعر به توصیف سنگر و فضای معنوی و ساده‌ی آن می‌پردازد:

سنگر ما ساده بود
یک- دو پتو فرش ما
کیسه‌ی شن بالش رؤبای ما
چند ظرف
یک چراغ
تکه‌ای از آینه
عکس امام
قرآنی آشنا
فانوسی باصفا...
سفره پُر از نان خشک
اما با این همه
فصل فراوانی لبخند بود...
(سنگر لاله‌ها- ص ۷)

و یا در شعرهای «بیمارستان مهر»، «مثل کبوتر»، «روزها» و «شب جمعه» که همگی به حوادث پس از جنگ می‌پردازند

و در آن راوی از مجروح شدن خود، دیدن هم‌رزم در خواب و شهادت او و رفتن به مزار شهدا سخن می‌گوید، با بیانی لطیف و سرشار از احساس مواجه هستیم. این شعرها به لحاظ بار عاطفی هم قوی‌تر از سایر شعرهای مجموعه هستند و بر احساس و عواطف مخاطب هم تأثیر می‌گذارند:

مادر من
سال هاست، رفته است
باغچه غرق علف
حوضچه، دلتنگ و تار
زمزمه‌ی آینه خاموش شد
دوستان
- یک به یک -
در مه، در خاطره پنهان شدند
صحبت خورشید فراموش شد
(روزها- ص ۱۲)

است، برای برانگیختنی احساس و عواطف مخاطب و نیز در عین حال بیان واقعیت جنگ از طبیعت سود جسته است و جراحت و درد و زخم و آتش را به سمت گل و گنجشک و نخل و... سوق می‌دهد تا از بارِ خشونت آن برای انسان بکاهد.

... ترکش‌ها پنجره‌ها را گرفت
 انفجار بر دل انگور ریخت
 زمزمه‌ها سوختند
 باغ
 پُر از خون گل و ضجه گنجشک‌ها
 خانه
 فرو ریخته در موج درد...
 (جنگ، ص ۲)
 آن طرف خاکریز
 گله‌ای از تانک‌ها
 - نعره‌کشان - سوی ما...
 (خط مقدم، ص ۶)
 دشت پُر از ترکش خمپاره شد
 نخل‌ها سوختند
 قلب نسیم و دل گل پاره شد...
 (گل زخم، ص ۹)

توصیفات تکراری و کلیشه‌ای

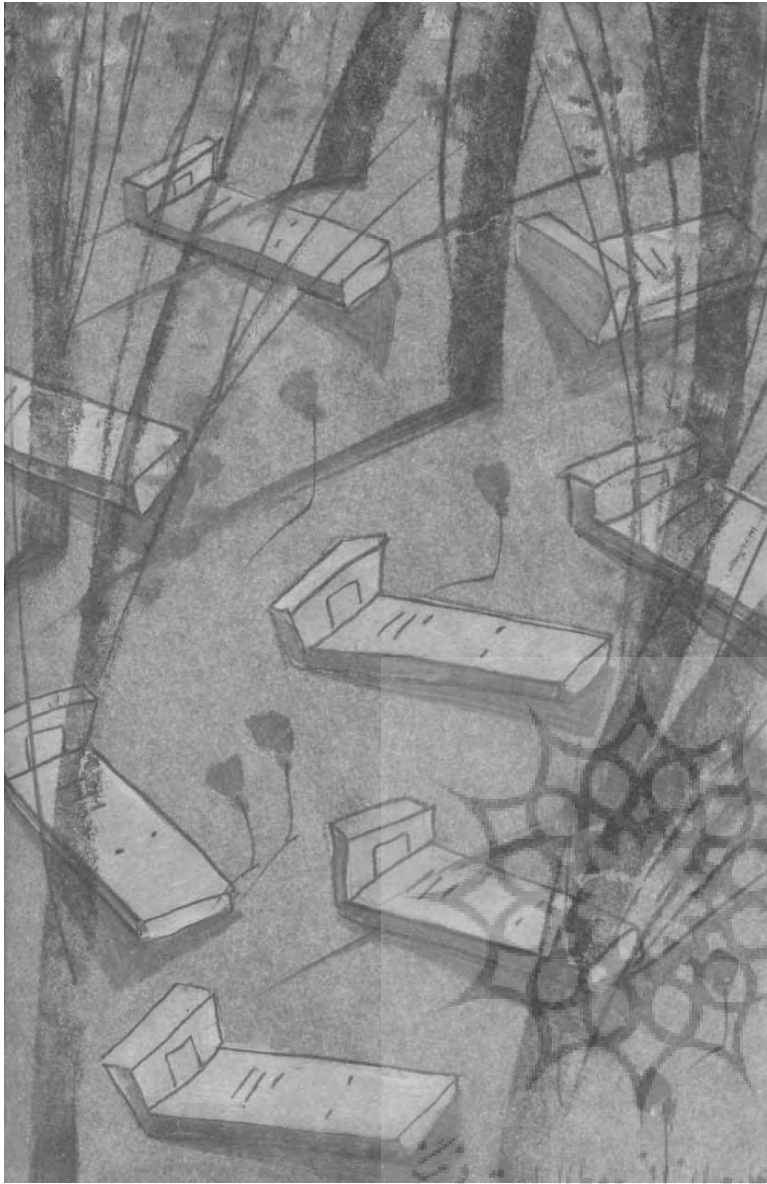
یکی از مشکلاتی که شعر دفاع مقدس ما کمابیش گرفتار آن است (هم در بخش شعر بزرگسال و هم در شعر کودک و نوجوان) ذهنیت کلیشه‌ای شاعر نسبت به این موضوع است. متأسفانه ما عادت کرده‌ایم که همه چیز را به‌طور مطلق بنگریم. یا سیاه و منفی و یا سفید و مثبت. همین دیدگاه را در سروده‌های مان هم منعکس کرده‌ایم و تحویل مخاطب بی‌گناه داده‌ایم! متأسفانه تک‌بعدی نگریستن ما را از بیان شاعرانه دور کرده و در دام کلی‌گویی و کلیشه‌سازی انداخته است. معضلی که شاعر مجموعه‌ی «کوچه‌باران» هم دچار آن شده است.

به نمونه‌ای از توصیف‌های او توجه کنید:
 دشمن ما
 دشمن آینه و قرآن و گل
 دشمن زیبا شدن باغ‌ها
 دشمن لبخند بود...
 (دشمن، ص ۴)
 این طرف
 زمزمه‌ی «یا حسین»
 آن طرف
 نعره‌ی شوم یزید
 (گل زخم، ص ۹)
 تانک‌ها، بیش‌تر و بیش‌تر
 خون‌خواران بیش‌تر و بیش‌تر
 (خط مقدم، ص ۶)



... ناگهان
 ناز نسیم و اذان
 می‌پیچد روی پلک...
 صبح شد
 حجم هوای اتاق
 سرشار از بوی گل و خاطره
 برمی‌خیزم ز جا
 - دوست من، آی... کجا رفته‌ای؟
 مرغ حق
 می‌خواند بر درخت:
 - کو... کو...
 (مثل کبوتر، ص ۱۱)

اما در شعرهای دیگر مجموعه که همگی روایت‌گر متن جبهه و خط مقدم و حمله و... هستند و شاعر ناچار به استفاده از واژه‌های خشن، تصاویر دلخراش و صحنه‌های خشونت‌آمیز



به راستی مخاطب از این توصیفات کلیشه‌ای و کلی‌گویی‌ها چه چیزی عایدش می‌شود؟

یکی دیگر از اثرات این مطلق‌نگری، افتادن شاعر در ورطه‌ی شعارزدگی است. در برخی شعرها، دیگر از زبان و بیان شاعرانه دور می‌شویم و با جملاتی شعارگونه که با بیان مستقیم و غیر شاعرانه آمیخته شده‌اند، مواجه هستیم:

...
می‌دانم
جنگ بد است...
آری
دعوا بد است
اما با من بگو
دشمن نامرد ما
وقتی از مرز تماشا گذشت...
(دشمن، ص ۴)

عدم توجه به وزن نیمایی و شیوهی مصراع‌بندی

یکی از قالب‌های مناسب برای شعر نوجوان، نیمایی است. از آن‌جا که مصراع‌ها در شعر نیمایی می‌توانند کوتاه و بلند شوند و تغییر کنند دست شاعر برای رعایت وزن و استفاده‌ی آزادانه و با دست و دل‌بازی از کلمات و جملات، باز است. این یک امکان و ویژگی مثبت است که به شاعر اجازه می‌دهد شعرش را هر چه بیشتر به زبان عادی نزدیک کند و مجبور نباشد برای رعایت وزن و تساوی مصراع‌ها به شیوه‌ی شعر کلاسیک، جملات و کلمات را پس و پیش کند و ارکان جمله را به هم بریزد. همچنین دست شاعر برای رعایت قافیه نیز در قالب نیمایی بازتر است و هر جا شاعر احساس نیاز کند و لازم ببیند می‌تواند از قافیه استفاده کند.

اما رعایت وزن در قالب نیمایی - اگرچه ساده به نظر می‌رسد، به نوبه خود قواعد و قوانینی دارد که شاعر را ملزم به رعایت آن می‌کند. مشکلی که بسیاری از شاعران نوگرا و نیمایی سرا بلدان دچار می‌شوند، شیوه‌ی صحیح مصراع‌بندی در این قالب است.

مهدی اخوان‌ثالث در کتاب ارزشمند «بدایع و بدعت‌ها و عطا و لقای نیمایوشیخ» به تشریح این قواعد پرداخته و با ذکر نمونه‌هایی از شعر نیمایی به تفصیل در این باره سخن گفته است. دو نکته‌ی اصلی و پایه‌ای در این باره «دقت در شروع مصراع‌ها» و نیز «توجه به خاتمه و پایان‌بندی مصراع‌ها» است که اخوان‌ثالث در این باره می‌نویسد:

«۱- باید در شروع مصراع‌ها دقت داشت، ملاک کلی و محک بسیار ساده در سنجیدن سلامت و درستی یا اشتباه و غلط وزن، این است که همه‌جا شروع مصراع را نگاه کنیم و اندازه و میزان نگاه داریم. وقتی که مثلاً در متن تن‌تن، متن، تن‌تن (مفاعیلن، مفاعیلن‌ها... الخ) شروع کردیم دیگر تمام

مصراع‌ها باید شروعش با همین فعل یا رکن باشد و اگر جز این باشد، غلط است...»^۱

«۲- در خاتمه‌ی مصراع‌ها باید دقت داشت که از نکات مربوط به پایان‌بندی غفلت نشود. اشتباهی که غالباً مرتکب می‌شوند از همین جاست. یعنی پایان مصراع‌ها را همین‌طور به امان خدا و هر جا شد، رها می‌کنند و حتی نمی‌دانند که جمله‌ی شعرشان در کجا خاتمه پیدا کرده است. وقتی خاتمه‌ی مصراعی نابه‌سامان بود، شروع مصراع بعد نیز فاسد خواهد بود...»^۲

حال به سروده‌های کتاب «کوچه‌ی باران» برمی‌گردیم. اولاً وزنی که شاعر انتخاب کرده وزنی ضربی و پُر‌تحرك است که به جز چند مورد از سروده‌های این کتاب، برای شعرهای دیگر مناسب به نظر نمی‌رسد. چرا که وزن‌های مختلف شعر، جدا از معنایی که در هر یک نهفته است، تأثیر عاطفی دارند. به عنوان مثال وزن «فعولن فعولن فعولن فعل» وزنی حماسی است، «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن» وزنی محزون و غم‌انگیز است و...

در شعر فوق، شیوهی صحیح مصراع‌بندی به این شکل باید باشد:

فصل‌ها
مهربان
زمزمه‌ها شادمان
زندگی
چشمه‌ی رنگین کمان
خانه پُر از دلخوشی بی کران...
هم‌چنین شیوه مصراع‌بندی شعر زیر:
... انفجار بر دل انگور ریخت

...
آسمان
شد کبود
شهر
پُر از درد و دود
آینه
همراه دل من شکست...
(جنگ، ص ۲)
که باید به این صورت باشد:

انفجار
بر دل انگور ریخت
آسمان
شد کبود
شهر پُر از درد و دود
آینه همراه دل من شکست...

نمونه‌هایی از این دست در شعرهای دیگر این مجموعه هم به چشم می‌خورد که از ذکر نمونه پرهیز می‌کنیم.
در یکی از شعرها هم به وضوح، وزن، غلط است و با یک بار خواندن عادی، مخاطب متوجه این اشتباه می‌شود:

... حال خوشی داشتم
می‌خواندم شادمان؛
«- الهی... من بدم
اما تو خوبی!»
(راهی، ص ۵)

که مصراع آخر هم به لحاظ وزنی و هم مصراع‌بندی دچار مشکل است و به عنوان مثال اگر شاعر این‌گونه می‌گفت و می‌نوشت، مشکل برطرف می‌شد:

«- الهی... من بدم اما تو خوب...»

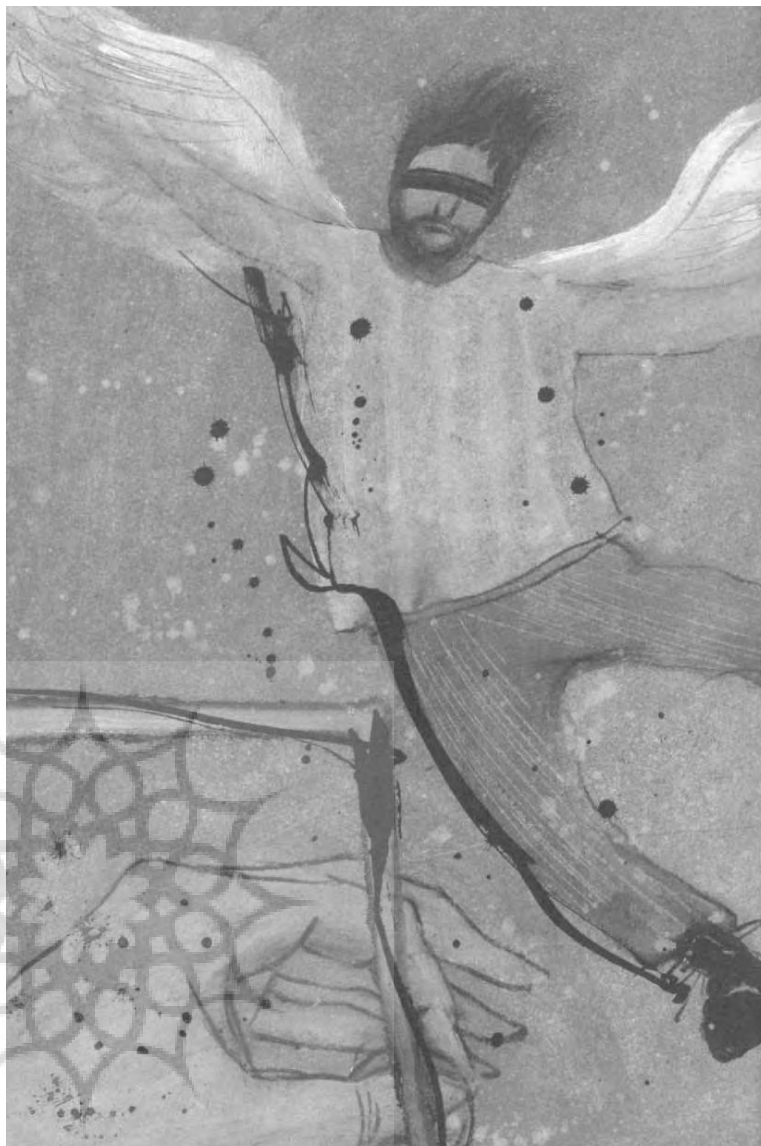
البته بعید نیست که این مشکل در اثر کم‌دقتی و سهل‌انگاری ناشر و یا ویراستار رخ داده باشد.

پی‌نوشت:

۱ - بدایع و بدعت‌های نیمایوشیح. مهدی اخوان ثالث. زمستان،

۱۳۷۶

۲ - همان



در شعرهایی مثل «روزها»، «بیمارستان مهر» و «شب جمعه» که درون‌مایه‌ای غم‌انگیز دارند، این عدم تناسب وزن و مضمون شعر به خوبی مشاهده می‌شود.
ثانیاً شاعر در بسیاری از موارد، در مصراع‌بندی شعرها و شروع و پایان مصراع‌ها دچار مشکل شده است. این شیوه‌ی نادرست در برخی شعرهای مجموعه، خواندن صحیح شعر را برای مخاطب دشوار کرده و به اصطلاح دست‌اندازها و گره‌هایی در آن ایجاد می‌کند. به نمونه‌ای از این مصراع‌بندی غلط توجه کنید:

... فصل‌ها مهربان

زمزمه‌ها شادمان

زندگی

چشمه‌ی رنگین کمان

خانه

پُر از دلخوشی بی‌کران...

(کوچه‌ی باران، ص ۱)